

دکتر رزا قراچورلو

وکیل پایه یک دادگستری

بررسی چالش‌های قانونی کودک آزاری جنسی در ایران

الف) کودک آزاری و کودک آزاری جنسی

به طور کلی، هرگونه آسیب جسمی یا روحی و روانی، سوءاستفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی افراد زیر هجده سال توسط افراد دیگر و به صورتی که تصادفی نباشد، کودک آزاری تلقی می‌شود.

در تعریف فوق، اگرچه تلاش شده است تا همه وجوه و ابعاد آزار کودکان را دربرگیرد، اما در هر حال، بسیاری از مفاهیم مندرج در آن، ممکن است در بین صاحب‌نظران اختلاف برانگیز باشد.

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی* (WHO) کودک آزاری عبارت است از آسیب یا تهدید به سلامت جسم یا روان و سعادت و رفاه و بهزیستی کودک، به دست والدین یا افرادی که نسبت به او مسؤول هستند.

اما در مورد تعریف کودک آزاری جنسی که موضوع اصلی این مقاله است، به تعریف ذیل اشاره می‌گردد:

منظور از آزار جنسی کودک، وادار کردن کودک به فعالیت‌هایی است که منجر به ارضای جنسی افراد بزرگسال می‌شود. سوءاستفاده جنسی، تماس‌ها یا تعاملات بین کودک و فرد بالغی است که کودک را به منظور تحریک جنسی، مورد سوءاستفاده قرار داده است.

آزار جنسی، معمولاً توسط افراد خانواده و نزدیکان و آشنایان و به ندرت توسط افراد بیگانه صورت می‌پذیرد. مطالعات نشان داده است که در اکثر موارد، آزار دهندگان کودک، والدین وی و ناپدری و یا نامادری او هستند. مواردی که شامل بیگانگان می‌شود، درصد کوچکی از کل موارد را دربرمی‌گیرد. همچنین مطالعات نشان داده است که در بیشتر آزارهای جنسی کودکان که توسط پدر اعمال شده است، کودک قربانی، دختر بوده است.

ب) ویژگی‌های اصلی کودک آزاری جنسی

کودک آزاری جنسی، چه به صورت مداوم باشد و یا فقط یک بار صورت گرفته شود و خواه توسط افراد خانواده و نزدیکان و خواه توسط افراد بیگانه انجام شده باشد، معمولاً دارای پنج شاخصه و ویژگی اصلی است:

۱. کودک، عموماً آن را دوست ندارد، ۲. ارضای جنسی فرد آزاردهنده هدف اصلی آزار است، ۳. در این رابطه یک تفاوت سنی و قدرتی وجود دارد که به طور مؤثری، رضایت معنادار از رابطه را از بین می‌برد، ۴. فعالیت جنسی معمولاً به صورت پنهان و همراه با نقشه و توطئه قبلی و اعمال زور از جانب فرد قدرتمند است، ۵. گاهی اوقات، کودک به جهت نیاز شدید به حمایت فیزیکی یا عاطفی و توجه و وابستگی، خود شخصاً به پذیرش و شروع این رابطه و یا حفظ رابطه جنسی، تمایل نشان می‌دهد.

ج) مشکلات اجتماعی و فرهنگی مربوط به طرح بحث کودک آزاری جنسی

اگر موضوع کودک آزاری جنسی کودکان تاکنون کمتر مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است، نه به خاطر کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت بودن موضوع، و نه به جهت قلت موارد اتفاق افتاده کودک آزاری جنسی است، بلکه این موارد، کرازاً واقع می‌شود و به دلیل پنهان ماندن ضمانت اجرای مؤثر و کافی برای مجازات و تنبیه مرتکبان وجود ندارد. عدم طرح و پرداخت به این معضل بزرگ فرهنگی و اجتماعی، بدین خاطر است که از نظر سنتی و فرهنگی، این موضوع به صورت یک «تابو» به شمار می‌رود و تمایلی به صحبت درباره‌اش وجود ندارد و دیگر آنکه جرم کودک آزاری و به ویژه کودک آزاری جنسی، یک

جرم نسبتاً پنهان است و حتی به مرتکبان و مجرمان این جرم نیز، از آنجا که در میان جمعیت پنهان هستند، جمعیت پنهان* گفته می‌شود. همچنین به این دلیل که آمار دقیقی در مورد این جرم، به دلایل مختلف، ارایه نمی‌شود و به اصطلاح آمار سیاه بزهکاری یا لیست سیاه** وجود دارد، در خیلی از موارد، این جرم پنهان باقی می‌ماند.

د) تفاوت سوءاستفاده جنسی از کودک* با آزار جنسی کودک******

این دو عبارت در متون حقوقی انگلیسی، زیاد به کار رفته‌اند اما از لحاظ تعریف، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و تفاوت آنها بیشتر در مراجع درمانی یا قانونی است که به آن مراجعه می‌کنند. همهٔ اعمالی که به عنوان سوءاستفاده جنسی به کار می‌رود، مسلماً آزار جنسی و آزارهای عاطفی و روانی نیز به دنبال خواهد داشت و امکان ندارد که کودکی مورد سوءاستفاده جسمی قرار گرفته باشد ولی آزار جسمی و یا روانی را تجربه نکرده باشد.

یک تفاوت که در مورد این دو واژه می‌توان اشاره کرد آن است که محققان و روان‌شناسان معتقدند زمانی که یک شخص خاص در طول مدت زمان معین، یک فرد خاص را مورد آزار جنسی قرار دهد، سوءاستفاده جنسی (Abuse) واقع شده است. بنابراین در سوءاستفاده جنسی، شخص آزاردهنده و کودک مورد آزار جنسی، یک فرد ثابت هستند و این آزار جنسی در طول مدت زمان تکرار می‌گردد.

ه) خلاء قانونی تعریف کودک‌آزاری جنسی در ایران و خلاء قوانین کیفری در جهت حمایت از اطفال

پس از انقلاب اسلامی، با تصویب قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱/۶/۳ کلیه مواد قانون مجازات عمومی سابق که راجع به جرایم هتک ناموس و منافعی عفت بود،

- Hidden Population

- Blacl List

- Sexual Child Abuse

- Sexual Child Assault

نسخ گردید و مقررات کیفری مطابق شرع اسلام به مرحله اجرا گذاشته شد و علاوه بر آن، مصادیق دیگری از جرایم منافی عفت، غیر از زنا، مانند تقبیل و مضاجعه، تفخیز و مساحقه نیز مورد حکم قرار گرفت. ولی قانونگذار اسلامی، بلوغ یا صغر سن مجنی علیه را که سابقاً موجب تفاوت در مجازات می شد، نادیده گرفت و از این حیث همه را یکسان قلمداد کرد. همینطور، در قوانین کیفری ایران، اعمالی نظیر هرزه‌نگاری کودکان (پورنوگرافی) و بهره‌گیری از آنها مورد غفلت قرار گرفته است.

در خصوص هر یک از موارد مهمی که نسبت به کودکان مورد غفلت قانونی واقع شده و حمایت خاص کیفری از آن به عمل نیامده است، در ذیل به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۱. رضایت فرد (کودک) در رابطه جنسی

در برخی از کشورها، بویژه کشورهای اروپایی و کانادا، رضایت کودک، عامل مهم و تعیین کننده‌ای برای تشخیص آزار جنسی یا سوءاستفاده جنسی است و در کشورهای مختلف که این مکانیسم پذیرفته شده است، سنین مختلفی تعیین شده است. در کانادا، اگر کودک زیر سن دوازده سال باشد، ارتکاب این اعمال از سوی وی یک اختلال رفتاری محسوب می‌گردد ولی پس از دوازده سال تا هجده سال، به عنوان یک جرم با آن برخورد می‌شود.

اما در قوانین کیفری و جزایی ایران، اساساً بحث رضایت فرد به طور کلی در رابطه جنسی نامشروع مطرح نیست و به طریق اولی، رضایت کودک نیز به هیچ وجه تأثیری در مسأله نخواهد داشت، در این مورد در بندهای جداگانه‌ای، جرایم و اعمال منافی عفت، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲. توریسم جنسی یا گردشگری جنسی

توریسم جنسی، که در قوانین کیفری بسیاری از کشورها و معاهدات بین‌المللی، به آن توجه شده^{*}، در قوانین جزایی ایران مورد غفلت قرار گرفته و به طور مجزا و خاص، در خصوص آن جرم‌انگاری صورت پذیرفته است. لیکن در ماده ۳ قانون حمایت از

* - البته توریسم جنسی در کنوانسیون حقوق کودک نیز مسکوت مانده و مورد اشاره قرار نگرفته است.

کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱: «هرگونه بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به منظور اعمال خلاف...» را جرم اعلام کرده است که با این جرم‌انگاری، گام بسیار مهمی در راستای پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی و سوءاستفاده از کودکان در این‌گونه فعالیت‌های مجرمانه جنسی برداشته شده است.

در هر حال، گردشگری جنسی، پورنوگرافی، بردگی جنسی و دیگر جرایم سازمان یافته که در عرصه بین‌المللی وجود دارد و ممنوعیت آنها مورد تأکید کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفته است، نیازمند همکاری بیشتر دولت‌ها با یکدیگر، برای مبارزه با این پدیده‌های شوم و غیرانسانی و اقدام مثبت دولت‌ها در جهت تدوین و وضع قوانینی مؤثر و اتخاذ تدابیر و ضمانت‌های اجرایی و ایجاد نهادهای نظارتی می‌باشد.

۳. هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) نسبت به کودکان

هرزه‌نگاری و انتشار صور قبیحه، خواه در مورد بزرگسالان و خواه کودکان از طریق کتب، مجلات، دیسک‌های کامپیوتری و اینترنت وجود دارد.

کمیته حقوق کودک در سال ۱۹۹۳ یک گزارش حاوی توضیحاتی درباره سوءاستفاده جنسی، منتشر کرد و در آن اعلام داشت که فحشای کودکان باید به عنوان جرمی سنگین شناخته شود و واسطه‌ها، شرکا و مشتریان، باید به مجازات برسند، پورنوگرافی باید ممنوع شود و مرتکبان آن به اشد مجازات محکوم گردند.

در قوانین کیفری ایران، تنها در ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (در فصل هجدهم تحت عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی) به طور کلی و عام مقرر شده است که: «هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار، سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند، برای تجارت و توزیع...» نگهدارد و «به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور، محکوم خواهد شد».

در این ماده قانونی، هیچ اشاره و تأکید خاصی نسبت به کودکان در جهت حمایت بیشتر از آنها، به عمل نیامده است و به نظر می‌رسد که قانونگذار کیفری، باید با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر اطفال، طفل بودن را از علل مشدده جرم قرار دهد و به جرم‌انگاری

خاص برای اطفال در این زمینه‌ها اقدام کند.

۴. قاچاق کودکان

قاچاق کودکان، به اشکال و انحاء مختلف ممکن است صورت پذیرد. گاهی اطفال تحت عنوان فرزند خواندگی مبادله می‌شوند و تحت این عنوان، از آنها سوء استفاده شده و آزارهای بسیاری نسبت به کودکان اعمال می‌شود. کنوانسیون استکهلم مصوب ۱۹۹۶ در خصوص حمایت از کودکان و همکاری در مورد فرزندخواندگی با هدف ممانعت و پیشگیری از قاچاق کودکان، تنظیم شده است.

کنوانسیون‌های متعدد سازمان ملل متحد در مورد جرایم سازمان یافته فرامرزی و به خصوص کنوانسیون سال ۲۰۰۰ و پروتکل اختیاری آن برای منع سرکوب و مجازات قاچاق افراد به ویژه زنان و کودکان و اعلامیه‌های متعدد در این زمینه، مسأله کودک آزاری و قاچاق کودکان را، به شدت ممنوع اعلام کرده است.

کنگره جهانی استکهلم ۱۹۹۶ علیه تجارت و خرید و فروش و قاچاق کودکان برای استثمار و سوء استفاده جنسی آنها، در بیانیه خود خطاب به دولت‌ها، بر لزوم همکاری‌های قوی‌تر، میان دولت‌ها و اختصاص اولویت زیاد به مبارزه با قاچاق اطفال به قصد استثمار جنسی آنها، تأکید کرد.

در قوانین کیفری ایران، متأسفانه در این مورد نیز جرم‌انگاری خاصی انجام نشده است و قانون و مقررات جداگانه‌ای برای ممنوعیت قاچاق اطفال وجود ندارد. این امر، در حالی است که کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد، با تأکید بر لزوم قانونگزاری خاص در این خصوص، از تمام دولت‌ها خواسته است که در قوانین کیفری خود، استثمار جنسی و فحشاء و قاچاق کودکان را به عنوان جرایمی مهم و با حداکثر مجازات، برای مرتکبان، پیش‌بینی کنند و اطفال را، بدین وسیله، مورد حمایت کیفری بیشتر قرار دهند.

۵. جرایم و اعمال منافی عفت از قبیل زنا و زنا با محارم، لواط، تفخید، مساحقه، تقبیل و

مضاجعه و بررسی آنها نسبت به کودکان

در قوانین کیفری و جزایی ایران، متأسفانه در مورد جرایم فوق نیز نه تنها هیچ گونه حمایت کیفری بیشتری نسبت به اطفال به عمل نیامده است، بلکه بالعکس، حمایت

کیفری کمتری هم نسبت به کودکان ارایه شده است و در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی، بین جرایم بزرگسالان و اطفال، تفاوتی قائل شده است که در راستای حمایت کیفری کمتر از آنها می‌باشد و در بسیاری موارد این امر می‌تواند زمینه بزه دیدگی بیشتری را برای اطفال فراهم کند. در ذیل، به هر یک از جرایم یاد شده به طور مجزا، خواهیم پرداخت.

اول) زنا، با محارم و زنا، زن محصنه با نابالغ

طبق ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی، مرتکب مشمول حد قتل می‌گردد و از این حیث تفاوتی از حیث کیفری بین کودکان و بزرگسالان وجود ندارد و فرقی هم میان جوان و غیرجوان و محصن و غیرمحصن وجود ندارد.

همچنین به موجب ماده ۸۳ همان قانون، زنا، زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.^۳ در حالی که طبق بند ب همین ماده زنا، زن محصنه با مرد بالغ مستوجب حد رجم (سنگسار) است. بنابراین ملاحظه می‌شود که قانونگذار از طفل نابالغ حمایت کیفری کمتری کرده است و طفل بودن بزه دیده را، در واقع، از عوامل مخفقه برای مجازات زن بزه‌کار (زانیه) دانسته است.

دوم) لواط

طبق ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی، حد لواط فرد بالغ با نابالغ، قتل است و اصل بر آن است که طفل، مکره بوده است ولی چنانچه طفل مکره نباشد، وی نیز مجازات می‌گردد و مجازات وی ۷۴ ضربه شلاق از باب تعزیر خواهد بود.

این مجازات شلاق برای طفل، حتی اگر از باب تعزیر باشد و حتی اگر طفل به عمل لواط راضی بوده باشد، به جهت عدم مسئولیت کیفری اطفال، مصرح در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، قابل انتقاد است و با آن مغایرت دارد.

کودک آزار دیده، خود فردی قربانی است و نباید با وی به عنوان یک مجرم رفتار

۳ - فقهای امامیه مستند این حکم را روایت صحیحه ابن بصیر از امام صادق (ع) ذکر کرده‌اند که در مورد مجازات پسر نابالغی که با زنی زنا کرده بود از امام صادق (ع) سؤال شد و اما در پاسخ فرمودند که پسر نابالغ تازیانه زده می‌شود نه حد و زن هم حد کامل بر او اجرا می‌شود. برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع کنید به: آیت‌الله خوبی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد اول، مطبوعه الادب، نجف اشرف، ۱۹۷۵ میلادی، ص ۲۴۴.

شود. این امر در تمام کنوانسیون‌های مهم بین‌المللی مورد تأکید واقع شده است که این گونه اطفال، باید مورد حمایت‌های روانی و عاطفی و حمایت‌های درمانی و پزشکی بیشتری قرار گیرند تا بتوانند دوباره به وضعیت عادی بازگردند.

همچنین طبق ماده ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی، هرگاه نابالغی، نابالغ دیگر را، وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد، که در اینجا نیز قانونگذار برخلاف اصل کلی عدم مسئولیت کیفری کودکان، طفل فاعل و مفعول را قابل مجازات دانسته است.

سوم) تفخیز

به موجب ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی، حد تفخیز و نظایر آن، بین دو مرد بدون دخول، برای هر یک صد تازیانه است.

ملاحظه می‌گردد که در اینجا نیز، حمایت کیفری ویژه‌ای از اطفال به چشم نمی‌خورد و تفخیز با اطفال هم، همان صد تازیانه را خواهد داشت. این امر، از این حیث مورد انتقاد است که افراد بزرگسال بچه‌باز، به جهت آنکه ممکن است آثار و تبعات لواط در کودکان و کشف آن آثار موجب آشکار شدن جرم ارتكابی آنها گردد، بیشتر به تفخیز با اطفال روی می‌آورند و از این رو اطفال در معرض آسیب‌پذیری و خطر زیادتری واقع خواهند بود.

چهارم) مساحقه

در مورد مساحقه (همجنس‌بازی زنان با یکدیگر) نیز بین نابالغ و بالغ در قانون مجازات اسلامی تفاوتی وجود ندارد و حد مساحقه برای هر یک از طرفین (طبق ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی) صد تازیانه است.

پنجم) تقبیل و مضاجعه

در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع و یا عمل منافی عفت غیر از زنا، از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل یا عفت و اکراه نباشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»

ملاحظه می‌گردد که در این ماده، لفظ زن و مرد به کار رفته است و مجازات شلاق تا

۹۹ ضربه تعیین شده است. پس در وهله اول به نظر می‌رسد که اطفال باید از شمول این ماده، مستثنی گردند زیرا قانونگذار لفظ زن و مرد را به کار برده است. اما ماده ۱۲۴ همین قانون بیان می‌دارد که: «هرگاه کسی، دیگری را از روی شهوت ببوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می‌شود.» لفظ «دیگری»، به طور عام و کلی بوده و می‌تواند اعم از زن و مرد و اطفال باشد.

به نظر می‌رسد که قانونگذار کیفری، باید در مورد این گونه اعمال از قبیل بوسیدن از روی شهوت و یا همبستر شدن، با توجه به آسیب‌پذیری بیشتر اطفال، طفل بودن را از علل مشدده جرم قرار دهد و به جرم انگاری خاص برای سوءاستفاده‌کنندگان از اطفال در این زمینه‌ها اقدام کند.

۶. مشخص نبودن حدّ تنبیه و تأدیب کودکان توسط والدین در قانون

حدّ تنبیه و تأدیب کودکان توسط والدین، چه در قانون کیفری (مجازات اسلامی) و چه در قانون مدنی، معین و مشخص نیست.

بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی، اعمال تنبیه و تأدیب کودکان توسط والدین، اولیاء قانونی و سرپرستان صغار را، با شرایطی تجویز کرده است. به نظر می‌رسد در برخی موارد اعطای مجوز فوق به این افراد، کودکان را در معرض آزار و اذیت و شکنجه‌های جسمی و روحی، به بهانه تأدیب و تنبیه قرار خواهد داد.

به موجب مواد قانونی یاد شده، تنبیه اطفال توسط والدین، به منظور تأدیب و تربیت طفل در صورتی که در حدّ متعارف باشد جرم تلقی نمی‌شود. لیکن مشکل اصلی در اینجا است که این تنبیه، تا چه حد متعارف است میزان آن به درستی تعیین نشده است.

با ارایه طرح قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱ انتظار می‌رفت که خلاء قانونی فوق حداقل درخصوص اطفال پر شود، اما با تصویب ماده ۷ قانون مذکور که اقدامات تربیتی والدین در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی را از شمول قانون یاد شده مستثنی می‌کند، تنها بارقه امید در مورد امکان تعقیب والدین، اولیای قانونی و سرپرستان صغار به جرم آزار و اذیت جسمی و روحی اطفال، از بین خواهد رفت.

بنابراین، درخصوص کودک‌آزاری در درون خانواده، حقوق کیفری ایران همچنان با

خلاء قانونی مواجه است. این امر در حالی است که قانونگذار با تصویب ماده ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی با جرم انگاری خاص برای ترک انفاق کودکان در راستای ممانعت از بزه دیدگی جسمانی اطفال در حقوق جزای ایران، اقدام مثبتی انجام داده است، لیکن موارد دیگر کودک آزاری، علی‌رغم آنکه تحقیقات و آمار نشان داده است که بیشترین کودک آزاری‌های جسمی، جنسی و روانی، در داخل خانواده‌ها و بر اثر خشونت‌های خانگی صورت می‌گیرد، مورد بی‌توجهی قانونگذار واقع شده است.

عدم قصاص پدر، به خاطر قتل فرزند، مصداق بارز خشونت قانونی علیه کودکان

در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی (فصل چهارم آن تحت عنوان شرایط قصاص)، مقرر شده است: «پدر یا جد پدری، که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر، محکوم خواهد شد.»

متأسفانه این ماده، تاکنون مورد سوءاستفاده برخی پدران قرار گرفته است و خود مثال بارز خشونت علیه کودکان است.

قتل‌های ناموسی و قتل‌های دیگری که به هر بهانه و دلیلی، توسط پدران صورت می‌گیرد و یا قتل‌هایی که پس از تجاوز جنسی به کودکان، از طرف پدران آنها انجام می‌شود، به خوبی حاکی از آن است که این ماده قانونی، که خود مروج خشونت آنهم به بدترین شکل آن، یعنی قتل و سلب حق حیات از کودک و نقض مسلم حق حیات به عنوان مهمترین حقوق بنیادین بشر است، نیازمند توجه دقیق قانونگذار و اصلاح آن در جهت حفظ بهترین مصالح و منافع عالیه کودک می‌باشد.

(و) خلاءهای حمایت بیشتر از کودکان در قانون مدنی ایران

در اینجا حضانت، حق ملاقات و تربیت طفل را از زاویه کودک آزاری مورد توجه قرار

می‌دهیم.

۱. حضانت

طبق ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا

مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقبای طفل یا به تقاضای قیم او، یا به تقاضای رییس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هریک از والدین است:

«۱. اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار. ۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشاء. ۳. ابتلا به بیماری‌های روانی، یا تشخیص پزشکی قانونی. ۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشاء، تکدی‌گری و قاچاق. ۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.»

ماده فوق که اصلاحی مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی می‌باشد، با ذکر موارد و مصادیق «عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی والدین» به چندین دهه اختلاف نظر حقوقدانان و محاکم دادگستری در این مورد، پایان داد. بدون تردید ماده مذکور یکی از مهمترین پیش‌بینی‌های قانون مدنی ایران، در راستای پیشگیری از کودک‌آزاری و هر نوع سوء استفاده از طفل به شمار می‌رود.

نهاد حضانت، در قانون مدنی ایران، یکی از مهمترین نهادهای حمایتی از اطفال می‌باشد که نقش مهمی در پیشگیری از کودک‌آزاری و در خطر قرار گرفتن سلامت جسمانی، روانی، اخلاقی و اجتماعی اطفال ایفاء می‌کند. قانونگذار در واگذاری حق حضانت تا حدود زیادی به وضع اخلاقی و مالی طرفین، مصلحت طفل و علایق و عواطف وی بی‌توجه بوده و با وضع ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی و تبصره اصلاحی اخیر آن، مادر را، برای حضانت فرزند پسر و دختر، تا هفت سالگی در اولویت قرار داده و پس از آن حضانت را به عهده پدر واگذار کرده است. این امر می‌تواند کودکان را در معرض آسیب‌های جسمی و روحی و روانی جدی قرار دهد و زمینه سوء استفاده از آنها را فراهم سازد.

ضمناً قانونگذار مدنی با پیش‌بینی جنون و یا ازدواج مجدد مادر پس از جدایی، با شخصی غیر از پدر طفل، این موارد را از عوامل سقوط حضانت دانسته است، اما همین مسأله، از این حیث قابل انتقاد به نظر می‌رسد که درخصوص ازدواج مجدد پدر طفل، چنین عدم صلاحیتی برای پدر پیش‌بینی نشده است، در حالی که رفتارهای نامادری هم

همچون ناپدیری، می‌تواند بعضاً موجبات آزار طفل یا سوءاستفاده از وی را مهیا کند. البته با عنایت به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، ملاحظه می‌گردد که به موجب بندهای ۲ و ۴ آن به نوعی، حمایت از اطفال در مقابل آزار و اذیت جنسی والدین و سوءاستفاده از آنها، مطرح شده است.

۲. مسأله ولایت قهری پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود

موضوع ولایت قهری پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود را نیز، از زاویه کودک‌آزاری با تأکید بر کودک‌آزاری جنسی بحث و بررسی خواهیم کرد. طبق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی: «هر یک از پدر و جد پدری، نسبت به اولاد خود ولایت دارند.» مبنای فقهی ماده قانونی فوق نیز، حدیث نبوی است که امام محمد باقر(ع) از رسول اکرم(ص) نقل فرموده‌اند: «أنتَ و مَالکُ لِأَبِیکَ»، «تو و مال تو، از آن پدرت هستی.» حتی از ظاهر مواد ۱۱۸۲ و ۱۱۸۴ قانون مدنی، اینطور استنباط می‌گردد که اگر صغیر، هم پدر و هم جد پدری داشته باشد و ناشایستگی یکی از آنها در اداره امور طفل احراز شود، حاکم نمی‌تواند ولی قهری منحصر را، عزل کند و فقط می‌تواند ضمّ امین کن.

لیکن در خرداد ماه سال ۱۳۷۹، ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی بدین شرح اصلاح گردید: «هرگاه ولی قهری طفل، رعایت غبطه صغیر را نکند و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مؤلی علیه گردد، به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رییس حوزه قضایی، پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل، فرد صالحی را به عنوان قیم تعیین می‌کند.»

ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز، عزل ولی قهری را، هرچند که منحصر باشد، در صورت تأیید ناشایستگی جدی وی، پیش‌بینی کرده بود.

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اینکه عدم برکناری ولی قهری در مورد کودک‌آزاری و به خصوص کودک‌آزاری جنسی، مطمئناً کودک را در شرایط و محیط خطرزا و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد، ضروری است که این امر، مورد توجه قانونگذار و نیز محاکم اطفال قرار گیرد.

توجه به مصالح و منافع عالیه کودک، باید مهمترین معیاری باشد که در صدور و

اجرای حکم، مورد نظر واقع می‌شود.

بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک نیز مقرر کرده است که: «در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی، عمومی، و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک باید از اهم ملاحظات باشد.»

ماده ۱۸ همان کنوانسیون نیز تأکید می‌کند که: «والدین و قیم‌های قانونی مسئولیت عمده‌ای در مورد پیشرفت و رشد کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسأله آنان، حفظ منافع عالیۀ کودک است.»

۳. به ازدواج درآوردن دختران در سنین پایین

ازدواج اجباری دختران در سنین پایین که معمولاً به اصرار و خواست خانواده‌های آنان و بخصوص با اذن ولی قهری آنها، صورت می‌گیرد، از مصادیق سوءاستفاده جنسی از اطفال بشمار می‌رود. با اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و افزایش سن بلوغ دختران از ۹ سال قمری به ۱۳ سال تمام، گام بزرگی در راستای جلوگیری از ورود آسیب‌های جسمی و روحی نسبت به اطفال به خاطر ازدواج قبل از بلوغ به عمل آمده است. اگرچه در جامعه امروزی یک دختر سیزده ساله هم، حتی اگر به لحاظ جسمی و جنسی آمادگی ازدواج را داشته باشد، ممکن است از لحاظ روحی هنوز آمادگی پذیرش زندگی زناشویی را نداشته باشد.

• نتیجه‌گیری

به طور کلی، در قوانین کیفری ایران، قانون خاصی درباره کودک‌آزاری وجود ندارد و متأسفانه در این مورد جرم‌انگاری خاص نشده است و همانطور که ملاحظه و بررسی شده، حتی در برخی مواد قانونی، زمانی که بزه دیده، طفل باشد، حمایت کیفری کمتری نیز از وی مطرح شده است.

این امر، در حالی است که کنوانسیون حقوق کودک، که ایران نیز به آن ملحق شده است و در کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط دیگر، بر لزوم جرم‌انگاری خاص در خصوص کودک‌آزاری تأکید شده است.

علی‌رغم آنکه کودک آزاری‌ها اعم از جسمی و روحی و جنسی، در داخل خانواده‌ها و توسط نزدیک‌ترین افراد به کودک انجام می‌شود، با کمال تأسف هنوز هیچ قانون خاصی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت‌های خانگی تصویب نشده است و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذرماه ۱۳۸۱ نیز، والدین را در مورد این‌گونه جرایم از تعقیب و مجازات معاف دانسته است. همچنین، هیچ نهاد یا سازمانی که مسئولیت حمایت از کودکان آسیب‌دیده یا نظارت بر این امر را برعهده گیرد، وجود ندارد و کودکان، علی‌رغم هیچ‌گونه تأمینی، مجدداً به داخل همان خانواده و نزدیکی‌ها باز خواهند گشت که آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند!

به هر حال، جرم‌انگاری خاص در مورد برخی رفتارها و جرایمی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابد و تشدید کیفر مرتکبان این‌گونه جرایم، دو راهکار و مکانیسم درخور پیش‌بینی، در حقوق جزا، برای حمایت کیفری بیشتر از اطفال است. همچنین اصلاح بعضی از قوانین کیفری مثل ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی که خود به نوعی خشونت قانونی علیه کودکان به شمار می‌رود، ضروری می‌نماید تا احتمال سوءاستفاده از این ماده قانونی، توسط برخی والدین متعرض به کودک، منتفی گردد.

ایجاد معاضدت‌های قضایی و حقوقی برای کودکان، تعیین وکیل تسخیری برای ایشان در موارد لزوم، تسریع در رسیدگی و رسیدگی فوری و خارج از نوبت به جرایم علیه اطفال، انجام مراحل دادرسی و تشریفات آن به زبان ساده و توضیح آن برای اطفال به نوعی که برای آنها قابل درک و فهم باشد، توجه به منافع عالیه کودکان در هنگام صدور حکم توسط قضات و در نظر گرفتن مصلحت کودک در حکم صادره، به عنوان معیار و ملاک اصلی صدور حکم، جبران خسارت مادی و معنوی طفل بزه دیده، باید هدف اصلی دستگاه قضایی باشد و تأسیس نهادها و مؤسسات خاص در این زمینه، اجباری کردن گزارش دهی در مورد کودک آزاری برای تمام افراد و مؤسسات و مراکزی که به هر نحو، از این موضوع اطلاع می‌یابند، نه فقط برای افراد و مؤسساتی که نگهداری از کودکان را برعهده دارند (آن‌گونه که در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذرماه ۱۳۸۱ مطرح شده است)، آموزش دادن به کودکان و آشنا کردن آنها با این‌گونه آزارهای جنسی و تأکید به آنها نسبت به این امر که این آزارها را تحمل نکنند و در

مقابل آن اعتراض و شکایت کنند، و همچنین انجام تحقیقات و بررسی‌های لازم برای ریشه‌یابی کودک‌آزاری و شناخت زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن و آرایه آمار دقیق و صحیح در این موارد، برای کمک به کاهش و پیشگیری از این جرایم، همگی از راهکارهایی می‌باشند که می‌توانند در جهت از میان بردن و یا حداقل، کاهش این پدیده و معضل شوم اجتماعی، نقش مؤثری ایفا کنند.



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم اسلامی